

بسم الله الرحمن الرحيم

مجموعه جزوات مصباح (۶)

بخشی از کتاب ارزشمند «نگاهی گذرا به نظریه ولایت فقیه»

اثر علامه مرحوم **محمدتقی مصباح یزدی (ره)**

تدوین : اندیشکده امام صادق علیه السلام

draghili.blog.ir

Sapp.ir/andishkade



ولایت تکوینی و ولایت تشریحی

شاید نیازی به تذکر نداشته باشد که مراد از «ولایت فقیه» ولایت تکوینی نیست بلکه آن چه در صدد اثبات آن هستیم ولایت تشریحی فقیه است. ولایت تکوینی که به معنای تصرف در عالم وجود و قانون مندی های آن است اساساً مربوط به خدای متعال است که خالق هستی و نظام خلقت و قوانین حاکم بر آن است. نمونه های کوچکی از این ولایت را گاهی خداوند به برخی از بندگان خود نیز عطا می کند که بواسطه آن می توانند دخل و تصرفاتی در موجودات عالم انجام دهند. معجزات و کراماتی که از انبیا و اولیای الهی صادر می شود از همین باب است. به اعتقاد ما شیعیان، وسیع ترین حد ولایت تکوینی در میان بندگان، به پیامبر اسلام و امامان معصوم بعد از آن حضرت داده شده است. به هر حال در بحث ولایت فقیه صحبت از تصرف در نظام خلقت و قانون مندی های مربوط به طبیعت نیست؛ گر چه ممکن است احیاناً فقیهی از چنین ویژگی نیز برخوردار بوده دارای کراماتی باشد.

مسأله ای که در ارتباط با اداره امور جامعه، هم برای پیامبر و امام معصوم و هم برای فقیه وجود دارد بحث «ولایت تشریحی» آنهاست؛ یعنی همان چیزی که در آیاتی از قبیل «النبیُّ اَلْأولیُّ بِالْمُؤْمِنِینَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ» و در روایاتی از قبیل «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عِلِّيٌّ مَوْلَاهُ» به آن اشاره شده است. ولایت تشریحی یعنی ولایت قانونی؛ یعنی این که فردی بتواند و حق داشته باشد از طریق جعل و وضع قوانین و اجرای آنها در زندگی مردم و افراد جامعه تصرف کند و دیگران ملزم به تسلیم در برابر او و رعایت آنها باشند. معنای «النبیُّ اولى بالمؤمنین من انفسهم» این است که تصمیمی را که پیامبر برای یک فرد مسلمان یا جامعه اسلامی می گیرد لازم الاجراست و بر تصمیمی که خود آنها درباره مسائل فردی و شخصی خودشان گرفته باشند مقدم است و اولویت دارد. به عبارت دیگر، جامعه احتیاج به یک نقطه قدرتی دارد که در مسائل اجتماعی این قدرت و حق را داشته باشد که حرف آخر را بزند؛ در این آیه خداوند این نقطه مرکزی قدرت را که در رأس هرم قدرت قرار دارد مشخص نموده است. بنابراین، ولایت فقیه به معنای قیمومیت بر مجانبین و سفهانیست بلکه حق تصرف و حق تشریح و قانون گذاری و تصمیم گیری و اجرایی است که در مورد اداره امور جامعه و مسائل اجتماعی برای فقیه قائل می شویم و از این نظر او را بر دیگران مقدم می دانیم و از آن جا که حق و تکلیف با یکدیگر ملازم و هم آغوشند، وقتی چنین حقی را برای فقیه اثبات می کنیم دیگران ملزم و مکلف به رعایت این حق و اطاعت از تصمیم ها و دستورات و قوانین او هستند. به همین دلیل می گوئیم بر اساس «النبیُّ اولى بالمؤمنین من انفسهم» اگر پیامبر (صلی الله علیه و آله) به فردی دستور بدهد که به جبهه برود اگر چه خودش شخصاً مایل نباشد باید اطاعت کند. و یا اگر با این که خمس و زکاتش را داده و هیچ حق مالی واجبی به گردن او نیست اما پیامبر به او دستور بدهد که باید فلان مبلغ برای جبهه بپردازد، مکلف است این پول را بدهد و حق اعتراض ندارد. مرحوم امام خمینی (اعلی الله مقامه) این مثال را زیاد در درسشان می زدند که اگر حاکم اسلامی به من بگوید این عبايت را بده باید بگویم چشم و بدهم. آن هنگام که مصلحت جامعه اسلامی چنین اقتضا کرده که ولی فقیه چنین تشخیص داده که به عباي من نیاز دارد اگر امر کند که عبايت را بده، من باید اطاعت کنم و عبايم را بدهم. این، حقیقت معنای ولایت فقیه است که در فرهنگ ما جا افتاده و تا این اواخر هم شبهه ای در مورد آن وجود نداشته و مرد و زن، پیرو جوان، روستایی و شهری، همه و همه آن را می دانسته اند و قبول داشته اند. شواهد متعددی هم در این باره وجود دارد که

یکی از معروف ترین آنها قضیه تنباکو و حکم مرحوم میرزای شیرازی است. همه شیعیانی که در آن زمان زندگی می کردند چون اعتقادشان بر این بود که علما و مجتهدین جانشین امام زمان (علیه السلام) هستند و اگر جانشین امام چیزی بگویند اطاعت آن لازم است، وقتی که مرحوم میرزای شیرازی فرمود «الیوم استعمال تنباکو حرام و مخالفت با امام زمان (علیه السلام) است» همه قلیانها را زدند و شکستند. و حتی همسر ناصر الدین شاه نیز قلیان را از دست او گرفت و انداخت و شکست و به ذهن هیچ کس نیامد که چطور شد؟ تا دیروز که استعمال تنباکو حلال بود و اشکالی نداشت؛ مگر حلال و حرام خدا هم عوض می شود... بلکه همه، حتی علما و مراجع و کسانی که خودشان صاحب فتوا بودند خود را ملزم به رعایت این حکم میرزای شیرازی دانستند.

اکنون با توجه به این توضیحات و روشن شدن حقیقت مفهوم ولایت فقیه پس از تذکر یک نکته، به ذکر دلایلی که ولایت فقیه را اثبات می کند خواهیم پرداخت.

ولایت فقیه؛ تقلیدی یا تحقیقی

از آن جهت که مسأله ولایت فقیه دنباله بحث امامت است لذا گاهی گفته می شود این مسأله از «مسائل کلامی» و از مباحث مربوط به «علم کلام» است. علم کلام، در معنای خاص آن، علمی است که به مباحث مربوط به اصول دین، یعنی مباحث مربوط به خدا و نبوت و معاد می پردازد. پس از اثبات نبوت در علم کلام، این سؤال پیش می آید که «بعد از پیامبر اسلام مسأله رهبری و جامعه اسلامی چه می شود؟» و بدنبال این سؤال بحث امامت مطرح می گردد و شیعه برطبق ادله ای که دارد حق رهبری جامعه را پس از پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) با امام معصوم می داند. بدنبال اثبات امامت امام معصوم این سؤال مطرح می شود که «در زمانی مثل زمان ما که عملاً دسترسی به امام معصوم وجود ندارد تکلیف مردم و رهبری جامعه اسلامی چیست؟» و بدنبال این سؤال است که بحث ولایت فقیه مطرح می شود. از آن جا که مشهور است «تقلید در اصول دین جایز نیست» برخی تصور کرده اند که چون مسأله ولایت فقیه به ترتیبی که گفته شد از مباحث اصول دین و علم کلام است بنابراین مانند بحث اثبات وجود خدا و یا نبوت پیامبر، این بحث هم یک مسأله ای است که هر کسی خودش باید برود تحقیق کند و خلاصه این که تقلیدی نیست.

اما واقعیت این است که چنین تصویری درست نیست و در این رابطه باید بگوییم که اولاً این گونه نیست که هر مسأله ای که از مسائل علم کلام و از فروع مربوط به اصول دین باشد تقلید در آن جایز نیست و حتماً هر شخصی خودش باید با دلیل و برهان معتبر آن را اثبات کند بلکه بسیاری از مسائل کلامی وجود دارد که مردم باید در آن تقلید کنند و ببینند کسی که صاحب نظر در آن زمینه است چه می گوید. مثلاً مسأله سؤال شب اول قبر از فروع مربوط به بحث معاد است؛ اما این که اصولاً شب اول قبر یعنی چه و مثلاً اگر کسی را روز دفن کنند باید صبر کنیم تا شب بشود و بگوییم شب اول قبرش بر پا شد؟ یا این که اگر بدنش سوخت و خاکستر شد و خاکسترش را هم باد برد یا طعمه درندگان شد و خلاصه بدنی از او باقی نماند تا دفن شود و قبری داشته باشد آیا شب اول قبر نخواهد داشت؟ و یا این که کیفیت سؤال در شب اول قبر به چه صورت است و چه سؤال هایی می شود؟ و ده ها پرسش دیگر درباره شب اول قبر از چیزهایی هستند که بسیاری از

ما نه تاکنون آنها را تحقیق کرده ایم و نه تخصص لازم برای تحقیق در مورد آنها را داریم بلکه با خواندن کتاب ها یا شنیدن سخنان بزرگانی که به آنان اعتماد و اطمینان داریم راجع به مسأله شب اول قبر چیزهایی آموخته ایم و به آنها اعتقاد داریم. مسأله ولایت فقیه هم گر چه از جهتی یک مسأله کلامی و از فروع بحث نبوت و امامت است اما به لحاظ ماهیتی که دارد از آن دسته مسائلی است که هر شخص خودش توانایی و تخصص لازم برای تحقیق در مورد آن را ندارد و لذا باید به گفته شخص دیگری که متخصص و مورد اعتماد است تکیه کند.

و ثانیاً، گر چه مسأله ولایت فقیه از این نظر که دنباله بحث امامت است یک مسأله کلامی و از فروع مربوط به مباحث اصول دین است اما از این نظر که رعایت حکم ولی فقیه بر مردم واجب است، یا این که وظایف ولی فقیه چیست؟ حدود اختیاراتش تا چه اندازه است؟ و مسائلی از این قبیل، یک بحث و مسأله فقهی به شمار می رود. و به همین دلیل هم فقها در کتاب ها و مباحث فقهی خود آن را عنوان نموده و بحث کرده اند. و شکی نیست که در مسائل مربوط به فقه (یا همان فروع دین) تقلید جایز و بلکه نسبت به بسیاری از افراد واجب است.

به هر حال، توجه به این نکته لازم است که بحث اثبات ولایت فقیه یک بحث تخصصی است که تحقیق در آن، ابزارها و تخصص خاص خود را نیاز دارد. اما از آن جا که افراد زیادی در مورد آن سؤال دارند و مسأله روز و اساسی جامعه ماست لذا علی رغم تخصصی بودن بحث، ما در این جا سعی می کنیم برخی از ادله اثبات ولایت فقیه را با بیانی نسبتاً ساده ذکر نماییم. بدیهی است برای تفصیل بیش تر باید به کتاب ها و مجلات و مباحث تخصصی که در این زمینه وجود دارد مراجعه کرد.

برای دریافت فایل های مصباح به وبگاه و کانال اندیشکده امام صادق علیه السلام بیایید.

sapp.ir/andishkade

draghili.blog.ir